

اهدأ به رفقأ ودوستانیکه هنوزهم در مواضع انسانی دفاع از حقوق بنیادی انسان زحمتکش قرار دارند وبخاطر آینده درخشان شان یا به صفوف مبارزین راه جامعه نوین پیوسته اند ویا اینکه آرزوی پیوستن به آنها دارند. این راه، راه طولانی، ولی انسانی است. تحکیم صفوف این مبارزه، رهگشای پیروزیهای بعدی وضامن خوشبختی جامعه عادلانه واما برانداختن امپریالیزم گلوبال- جنگ افروز و اشغالگر- است.

منبع: سایت انترنتی کمونیست

برگردان: داؤد اسعد



دوازدهمین گردهمایی بین المللی احزاب کمونیست در افریقای جنوبی

۱۲/۱۲/۲۰۱۰

از تاریخ ۳- ۵ دسامبر سال جاری در چیوان (جمهوری افریقای جنوبی) دوازدهمین گردهمایی بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری برگزار شد. موضوع گردهمایی را "بحران سیستمی هرچه بیشتر تعمیق یابنده سرمایه داری- وظائف کمونیستها بخاطر دفاع از حاکمیت، گسترش پیوندهای اجتماعی، تقویت جبهه ضد امپریالیستی در مبارزه برای صلح، پیشرفت و سوسیالیزم" تشکیل میداد. ۱۰۲ نماینده از ۵۱ حزب شرکت کننده از ۴۳ کشور شامل همه قاره های جهان گردهم آمدند تا کار گردهمایی پیشین را ادامه داده وباهم عملکردهای توافق شده را برمبنای دیدگاه های مشترک بررسی نموده و تکامل بخشند.

از یکطرف تجارب سیاسی وازجانب دیگر استنتاج های سیاسی قاره های پنجگانه جهان بخاطر پیشبرد بعدی مبارزه توضیح گردید. عواقب بحران بطور جهانشمول همگون است، ولی بطور اخص خلقهای جهان سوم نام نهاد را بیشتر متضرر میسازد که اینجا مطلب روی مسأله زنده ماندن میچرخد. طور مثال هرگاهی نرخ موادغذایی گرایش صعودی داشته باشد.

بیکاری کتلوی، کاهش خدمات اجتماعی، تشدید سیاست زورگویی دولت، وخامت شرایط زنده گی کتله های وسیع مردم عواقب آن اند. در افریقای جنوبی بیکاری ۲۰ در صد شامل مردم زحمتکش وفامیلهای شان است.

مقاومت علیه این وضع خلیها متفاوت رشد نموده است. در کشور های دارای جنبش نسبتاً قوی سندیکایی بطور مثال در اروپائیکه در موضع مخالفت با سیستم سرمایرداری قرار دارند،

اعتصابها و عملکرد های مؤفّقانه تا سطح تعدادی از اعتصابهای عمومی براه انداخته شده- بدون آنکه با نیروی کافی بتوانند برای تعویض سیاست به نفع بیکاران و مردم زحمتکش کاملاً مؤثر باشند. در ادامه این مطلب محتوای اعلامیه نهایی کنفرانس ارائه میگردد.

بحران هر چه بیشتر تعمیق یابنده سرمایه داری

وضع بین المللی هنوز هم تحت تأثیر بحران مستولی و هر چه بیشتر تعمیق یابنده سرمایه داری قرار دارد. این واقعیت را تحلیلهای ما در اعلامیه های نهایی دهمین و یازدهمین گرد همآیی های مان در ساوپاولو (۲۰۰۸) و دهلی جدید (۲۰۰۹) تأیید مینماید. بحران کنونی سرمایه داری، برمحدود بودنش مهر صحت گذاشته و اضمحلال انقلابی آنرا تسجیل میدارد. بحران نشاندهنده تشدید تضاد اساسی سرمایه داری، تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و تصاحب آن بوسیله سرمایه خصوصی است.

این یک بحران سیستمی است- برخلاف تخیلات واهی سرمایه داری قبل از سال ۲۰۰۸ سرمایه داری نمیتواند خصلت درونی، گرایش سیستماتیک به بحرانهای دورانی را که مملو از فراز و نشیب است، اکنون موعظه کند. بحران فعلی

جهانشمول مظهر جدّاً خاصی است که اضافه تولید سرمایه داری حامل این رکود میباشد. به منوال گذشته اکنون هم سرمایه داری با اتکا به قانونمند یهایش ، جوابی برای بحران دورانی به جزء تخریب شدید و نامتوازن اجتماعی تولید، بدست نمیدهد که در برگیرنده اخراج کتلوی کارگران و کارمندان، بستن مؤسسات تولیدی، کاهش شدید درآمد، تقاعد، تضامین اجتماعی و شرایط زنده گی خلقها میباشد.

بنابراین در دو نشست قبلی خویش بجا مشخص ساختیم که بحران فعلی را نمیتوان به اشتباهات و عطش ذهنیگرایانه بانکها و دلالان عرصه مالی خلاصه کرد. این بحران به حیث بحران خلط شده سیستماتیک در خصلت ماهوی خود سرمایه داری عجین شده است.

بحران مستولی بوسیله تغییرات ژرف در مناسبات نیروها در سطح بین المللی تشدید میگردد. بخصوص روند خیلیها شدید نزولی هژمونی اقتصادی ایالات متحده امریکا و رکود مجموعی تولید در اقتصاد کشور های پیشرفته سرمایه داری به گونه جهانشمول (گلوبال) آن بمشاهده

رسیده و ظهور نیروهای نوین جهانشمول اقتصادی دیده میشود که میتوان مقدم بر همه از چین یادآور شد. بحران، رقابت میان مراکز امپریالیستی و همچنان میان نیروهای حاکم و تازه وارد را تشدید بخشیده است. که میتوان از نبرد اسعار به رهبری ایالات متحده آمریکا، تراکم و تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در جامعه اروپا نام برد و وابسته به آن به تعمیق ماهیت آن، یعنی رهبری بلاک امپریالیستی بوسیله یکی از نیروهای اصلی سیستم سرماییداری باعث تشدید هرچه بیشتر مبارزه امپریالیستی بخاطر تسخیر بازارها و بخصوص بازار مواد خام میان آنان گردیده است. گذشته از این ملیتاریزم مبسوط و وابسته به آن با اتکاً به عقد اتحادهای تجاوزگرانه (بگونه مثال گردهمایی اخیر ناتو در لزن در اواخر نزدیک با طرح های استراتژیک خطرناک) تعدد نقاط داغ منطوقی (بخصوص در شرق نزدیک، در آسیا و در افریقا) کودتاها در امریکای لاتین، تقویت گرایشهای نیوامپریالیستی و دامن زدن به معضلات اتنیکی و نظامی ساختن هرچه بیشتر افریقا مقدم بر همه بوسیله افریکوم.

در عین حال واضح شد که دیدگاه سرماییداری که صرفاً به انباشتن منفعت بری سمتدهی شده، تخریب کورکورانه ذخائر طبیعی و ماورای زیست را در مجموع باعث شده و تهدید جدی را متوجه حفظ مدنیت بشری ساخته است. نخبه گان سیاسی دولتهای مسلط سرماییداری با پیشنهاداتی چون "تکنالوژی سبز" و تجارت حفظ محیط زیست میخواهند در نهایت بدیل مؤقتی را سراغ بینند که باعث افزایش منفعت بری سرمایه و در عین حال باعث تقلیل ارزش مصرفی طبیعت و زمینه ساز عواقب تغییرات اقلیمی در کشور های کمتر انکشاف یافته، گردد. بحران سیستم سرماییداری که ما بمتابۀ انسانها در برابر آن قرار داریم مستقیماً با عدم کار آیی سرماییداری رابطه دارد که خود را به شیوه دیگری تجدید روپوش میکند و رشد روز افزون اقتصادی را موعظه مینماید. این بحران فقط میتواند بوسیله از میان برداشتن خودی سیستم سرماییداری به پایان انجامد.

با مواجه شدن به این واقعیت سرمایه به این شیوه آماده دفاع میشود تا منفعت بری را تضمین کند و بار سنگین بحران را به شانه های زحمتکشان تحمیل نماید: بوسیله تشدید استثمار بر پایه جنس و عمر، تهیدستان نفوس دهقانی و شهری و قشر بزرگ متوسط الحال. استثمار تشدید میشود و دولت به آله نجات بانکداران خصوصی و مؤسسات مالی مورد استفاده قرار

میگیرد. درعین حال نسل آینده زیر بار قروض غیرقابل پرداخت رفته و مساعی جدی مبذول می‌گردد تا دستاورد های اجتماعی را دوباره برگشت دهند.

در سرتاسر جهان سرمایه، تخریب مبسوط حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تأمینات اجتماعی و همچنان حق کار، عملی می‌گردد. و در عین زمان سیستم های سیاسی، ارتجاعی تر میشوند و ساحات تطبیق حقوق دموکراتیک و حقوق بشر و بخصوص حقوق سندیکایی محدود می‌گردد. تنقیصها که تنقیص در عرصه خدمات عامه را نیز در بر می گیرد،

تأثیرات خلیهها ناگواری بالای کارگران بخصوص کارگر زنان دارد. هم اکنون مساعی ای در جریان است، تا تنگدستی و عدم اطمینان مردم را با عوامفریبی ارتجاعی، تبعیض نژادی و ضدیت با خارجیها خلاصه نمایند و نیروهای فاشیستی را برحق جلوه دهند. این امر مبین مطالبات غیردموکراتیک و مطلقه حلقات حاکم حاضر بوده و نشاندهنده آنست تا تعرضات و کمپاینهای ضد کمونیستی در سرتاسر جهان تشدید یابد. در افریقا، آسیا و امریکای لاتین ما شاهد ایجاد میکانیزم های نوین شکنجه ملی و فشارهای طبقاتی هستیم که محتوای آن از طریق اقتصادی، مالی، سیاسی و نظامی و همچنان بوسیله ایجاد تعداد کثیری از انجوهای وابسته امپریالیستی پیاده می‌گردد.

برای توده های مردم بخصوص در افریقا، آسیا و امریکای لاتین درهمه حال حائز اهمیت است تا خاطر نشان گردد که زنده گی در کاپیتالیزم حتی قبل از بحران اقتصادی جهانشمول کنونی، خود یک بحران مسلسل بود، یعنی مبارزه بخاطر صرفاً زنده ماندن. قبلاً یک میلیارد انسان در مناطق فقیرنشین اسکان داشتند و نیمه نفوس جهان با درآمد دو دالر در روز زنده گی میکردند. با بحران، این واقعیت بطور مبسوط گسترش یافته است.

اکثریت تهیدستان شهری و دهقانی که همراه با خانواده های شان، در نتیجه مهاجرتهای غیر محفوظ در کشور های بیگانه کار میکنند، قربانیان بیوطن انکشاف سریع و روان کشاورزی سرمایداری در کشورهای افریقا، آسیا و امریکای لاتین هستند. سرمایداری گلوبال همراه با سکتور تاسیسات بزرگ صنایع کشاورزی همانند خنجر تیزی تقریباً به نیمه نفوس جهان یعنی سه میلیارد انسان دردهات کشور های افریقا، آسیا و امریکای لاتین، اعلام جنگ داده است.

در عین حال در برابر مهاجران و پناهنده گان موانع ضد انسانی ایجاد میکنند. مناطق غریب نشین در شهرها و شهرستانها به کثرت هرچه بیشتر عرض وجود میکنند واز جانب توده های رانده شده و محصور، اسکان میگردند که سعی دارند به هرگونه ایکه باشد زنده ماندن شان را تضمین کنند. ترویج سریع کشاورزی سرمایداری در کشور های دارای درجه کمتر رشد سرمایداری مبین تأثیرات برق آسای کشت محصولات جینوسید است.

دفاع، تحکیم و پیشروی حاکمیت مردمی

با در نظر داشت تهاجم روز افزون سرمایه فراملیتی، مبارزه علیه اشغال امپریالیستی کشورها، علیه وابسته گی اقتصادی و سیاسی وبخاطر دفاع از حاکمیت مردمی اهمیت بسزایی کسب نموده است. درین زمینه برای کمونیستها دارای اهمیت بزرگ است تا این مبارزات را با مبارزه برای جنبش اجتماعی و جنبش طبقاتی پیوند دهند.

کمونیستهایی که علیه امپریالیزم مبارزه میکنند، مبارزه شان بر اساس روابط متساوی الحقوق بین المللی میان دولتها و خلقها ومنافع دوجانبه استوار است.

دفاع، تحکیم و پیشروی حاکمیت مردمی برای افریقا و خلقهائیکه چندین دهه وحتى یک قرن اضافه از آنها تحت تسلط استعماری ونیمه استعماری بسربرده اند، حائز اهمیت بزرگ است. سال ۲۰۱۰ مصادف است با پنجاهمین سالروز آغاز نام نهاد استعمارزدائی افریقا. ولی در همه جا حتی در جاهائیکه اقلیتهای افریقائی زنده گی میکنند، هنوز هم میراث شوم تجارت برده ها، سلب مالکیت استعماری ودستبرد ادامه دارد. بدون توجه به پنجاه سال استعمارزدائی، تجاوزات امپریالیستی در همه جا تشدید گردیده ومواضع سلطه طلبانه انحصارات با پشتیبانی سرمایه داخلی گسترش مییابد. مبارزه علیه آن، خواستار حفظ ووحدت فعال توده های مردم وگسترش حقوق همگانی دموکراتیک میباشد.

گسترش پیوندهای اجتماعی

بحران در حال جریان سرمایداری وتبارز ضد مدنی آن شرائط را برای وسعت پیوند های گسترده اجتماعی، ضد امپریالیستی وضد انحصاری مساعد ساخته است. این شرایط برای آن مساعد است تا به قدرت دست یافت وتحولات عمیق، مترقی، بنیادی و انقلابی را مطالبه کرد.

وحدت طبقه کارگری از فکته‌های اساسی تأمین و مؤثریت کامل پیوند های اجتماعی با دهقانان، توده های فقیر شهری و دهاتی، قشر میانه حال شهری و روشنفکران محسوب می‌گردد. لازم به نظر می‌رسد تا توجه بخصوص رابه خواسته های جوانان و مشکلاتی که درین زمینه در سر راه قرار دارد مبذول داشته و بخاطر رفع آن مبارزه کرد.

مسائل مربوط به زمینداری، ریفورم کشاورزی بخاطر انکشاف بهتر مناطق دهاتی مسائلی اند که برای رشد مبارزات مردمی در کشورهای کمتر انکشاف یافته، حائز اهمیت بزرگ است. مطالب فوق با خود کفایی غذایی و تأمین امنیت، عدم موجودیت زیر بناهای معیشتی و تنوع اشکال آن، حفظ ثروتهای ملی و مبارزه علیه انحصارات صنایع کشاورزی و اجنت های محلی شان، پیوند جدایی ناپذیر دارد.

درین مبارزات مساعی برحق و مبرم خلقهای ساکن کشورها و مناطق مربوطه بخاطر دفاع از فرهنگ، زبان و ماورای زیست شان نقش بااهمیتی دارد.

نقش کمونیستها برای تقویت جبهه ضد امپریالیستی بخاطر صلح، حفظ ماورای زیست، ترقی و سوسیالیزم

بحران امپریالیزم و تدابیر عاریتی آن منجر به گسترش عدیده نیروهائیکه بطور عینی دارای موقف وطنپرستانه و ضد امپریالیستی هستند، می‌گردد. کمونیست‌ها در همه واقعیتهای ملی و متنوع ما مسئولیت گسترش و تقویت جبهه سیاسی و اجتماعی ضد امپریالیستی و مبارزه برای صلح و حفظ ماورای زیست و انکشاف و همپیوندی این مبارزه با مبارزه بخاطر سوسیالیزم را عهده دار بوده و هستند. نقش مستقل کمونیستها و تقویت احزاب کمونیستی و کارگری بخاطر تأمین دورنمای بلند آوازه ضد امپریالیستی، متشکل از جبهات و جنبشهای وسیع، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

باید توجه بخصوص به روابط میان هریک از مبارزات مقاوم و برخورد های لازم ایدیولوژیک بخاطر توضیح الترناتیف سوسیالیستی و دفاع و گسترش هر چه بیشتر سوسیالیزم علمی مبذول داشت. مبارزه ایدیولوژیک جنبش کمونیستی برای دفع انتی کمونیزم کنونی دارای اهمیت غیر قابل انکار است، تابتوان با ایدیولوژی بورژوایی، تئوریهای غیر علمی و اپورتونیستی و جنبشهای بازدارنده مبارزه طبقاتی مقابله کرده و نقش نیروهای سوسیال دموکرات را تضعیف نمود، زیرا

این نیروها با سیاست ضد مردمی و همپای امپریالیستی شان استراتژیهای سرمایه را دفاع و تحکیم نموده و در عمل پیاده میکنند. ما درین عرصه عامل کلیدی هستیم- در تئوری و قبل از آن در پراتیک- تا روابط سؤال برانگیز میان عرصه های مختلف مبارزات مردمی را با رشد همبستگی طبقاتی بین المللی آن رهنمون گردیم.

ما در ازمنه تاریخی ای زنده گی میکنیم که در آن تعویض سرمایداری به سوسیالیزم یک وظیفه مدنی است. بحران همگانی سرمایداری یکبار دیگر بر جداناپذیری مسأله رهائیبخش ملی و نهضت طبقاتی ملی واجتماعی مهر صحت گذاشت.

بدر نظر داشت تعمیق بحران سرمایداری، تجارب ساختمان سوسیالیستی، شرایط برتر بودن سوسیالیزم را گواهی میدهد.

تقویت همکاری میان احزاب کمونیستی و کارگری و تقویت جبهه ضدامپریالیستی باید همپا باهم باشند.

ما احزاب کمونیستی و کارگری در چپوان در اوضاعی گردهم آمده ایم که وضع بوسیله حملات تمام عیار بالای کارگران و توده های مردم و در مقابل بوسیله امکانات زیادی بخاطر رشد مبارزات معین میگردد و مبین همبستگی عمیقاً پیوسته ما با کارگران و خلقهادر مبارزات دشوار شان است. ما بریکپارچگی مان تأکید میداریم و شانه به شانه با زحمتکشان، جوانان، زنان و با همه بخشهای مرد میکه قربانی استثمار سرمایداری و فشار ناشی از آن شده اند، همراه بوده و مبارزه مینمائیم.

ما فراخوان مان را به حلقات وسیع نیروهای مردمی تکرار میداریم تا با ما در مبارزه مشترک بخاطر سوسیالیزم- یگانه الترنا تیف آینده بشریت- صف آراییی نمایند.

ما به نکات مرکزی زیر بخاطر توسعه عملکرد های متحد و پیوند دهنده مان اشاره میکنیم:

۱- در عمق بحران سرمایداری ما کار خود را به مبارزات کارگران و خلقها برای حقوق اجتماعی و حق کار، برای تقویت جنبش سندیکایی و سمتدهی طبقاتی آن، گسترش پیوندهای اجتماعی با دهقانان و سائر اقشار مردم متراکم می سازیم. توجه خاص بایست به مسائل زنان و جوانان مبذول گردد، زیرا اینها نخستین قربانیان بحران سرمایداری اند.

۲- بنابر تجاوز تمام عیار امپریالیستی و تشدید رقابتهای درونی امپریالیزم، ما مبارزه ضد امپریالیستی را بخاطر صلح، علیه اشغالگریها و جنگهای امپریالیستی، علیه استراتیژی خطرناک "جدید" ناتو، علیه پایگاه های نظامی خارجی و برای ممنوع قراردادن کلیه انواع سلاحهای اتمی، تشدید خواهیم بخشید. ما همبستگی بین المللی فعال خود را با همه جنبشها و مردمانیکه دستخوش فشار، تعدی و تجاوز امپریالیستی شده اند و در برابر آن به مقاومت میپردازند، توسعه میدهیم.

۳- ما بطور قاطعانه با انتی کمونیزم، قوانین، تدابیر و تعقیب ضد کمونیستی مبارزه میکنیم. ما برای احزاب کمونیستی آنده از کشورهاییکه ممنوع اعلان شده اند، اجازه فعالیت مطالبه میداریم. ما ادامه دهنده راه تاریخ جنبش کمونیستی و ره آورد های سوسیالیزم برای اعتلای مدنیت بشری بوده و از آن دفاع میکنیم.

۴- ما به همبستگی خویش با خلقها و نیروهائیکه مصروف ساختار سوسیالیزم اند، تأکید میداریم. ما همبستگی خویش را با خلق کوبا و انقلاب سوسیالیستی شان اعلام داشته و با تمام نیرو با تحریمها علیه کوبا مبارزه کرده و از جنبش بین المللی بخاطر رهایی زندانیان - پنجگانه کوبایی حمایت میکنیم.

۵- ما در چهارچوبه امکانات خویش، واقعیتهای ملی رادر نظر داشته و بخاطر احیای مجدد سازمانهای بین المللی ضد امپریالیستی چون فدراسیون جهانی سندیکاها، شورای جهانی صلح، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و فدراسیون بین المللی زنان دموکرات سهم خویش را ادا میکنیم. بطور مشخص ما از انعقاد هفدهمین جشنواره جهانی جوانان در افریقای جنوبی از تاریخ ۱۳ الی ۲۱ دسامبر استقبال بعمل میآوریم.

متن و فوتو: هاینس اشتیر / ترجمه اعلامیه نهایی